



## درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۴ فروردین ۱۳۹۳

موضوع کلی: بررسی وثاقت بعضی روایات مورد اختلاف

مصادف با: ۱۳ جمادی الثانی ۱۴۳۵

موضوع جزئی: ۳- سهل بن زیاد آدمی

جلسه: ۲۱

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### ۳- سهل بن زیاد آدمی:

سهل بن زیاد از کسانی است که روایات زیادی در کتب اربعه از او نقل شده، مرحوم آقای خوبی عدد روایاتی که از او در کتب اربعه نقل شده را بالغ بر ۲۳۰۰ روایت شمرده است.<sup>۱</sup> البته این تعداد قطعاً شامل احادیث مکرر که در ابواب مختلف ذکر شده هم می‌شود، شاید اگر مکررات را از این تعداد کم کنیم تعداد روایاتی که در کتب اربعه از سهل بن زیاد نقل شده کمتر از عددی باشد که مرحوم آقای خوبی نقل کرده است ولی در هر صورت روایاتی که از سهل بن زیاد در کتب اربعه نقل شده روایات زیادی است.

به طور کلی در مورد سهل بن زیاد سه قول وجود دارد:

**قول اول:** مشهور قائل به ضعف او هستند.

**قول دوم:** عده‌ای از جمله وحید بهبهانی<sup>۲</sup>، سید بحر العلوم<sup>۳</sup> و حاجی نوری<sup>۴</sup> معتقدند سهل بن زیاد ثقه است.

**قول سوم:** نظریه توقف است، مرحوم آقای خوبی از کسانی است که درباره سهل بن زیاد توقف کرده، نه و ثاقت او را پذیرفته و نه به ضعف او حکم کرده است.

به هر حال با توجه به کثرت روایاتی که از سهل بن زیاد نقل شده مهم است ببینیم با روایاتی که سهل در سند آنها وجود دارد چه باید کرد؟

به طور کلی هم قائلین به ضعف و هم قائلین به وثاقت سهل ادله‌ای را بر مدعای خود ذکر کرده‌اند که ما نخست ادله دال بر وثاقت سهل بن زیاد را ذکر می‌کنیم که بعضی از این ادله قبلاً در مورد علی بن ابی حمزه و محمد بن سنان هم ذکر شده بود.

۱. معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۳۵۸.

۲. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۷۶.

۳. رجال، ج ۳، ص ۲۳.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۴۳.

## ادله وثاقت:

**دلیل اول:** روایت اجلاء از سهل بن زیاد. اشخاصی مثل فضل بن شاذان، محمد بن یحیی العطار، محمد بن حسن صفار، علی بن ابراهیم، محمد بن احمد بن یحیی و امثال اینها که همگی از اجلاء هستند از سهل بن زیاد روایت نقل کرده‌اند و روایت اجلاء از شخصی دلیل بر وثاقت او می‌باشد.

**دلیل دوم:** وقوع در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم.

**دلیل سوم:** کثرت روایات از سهل بن زیاد که هم در اصول و هم در فروع روایات زیادی از او نقل شده و این روایات عمدتاً خالی از ارتفاع و تخلیط و امثال آن است.

**دلیل چهارم:** اعتماد بزرگانی مثل کلینی و شیخ صدوق به سهل بن زیاد که خود این اعتماد دال بر وثاقت سهل است.

**دلیل پنجم:** خود سهل بن زیاد شیخ جماعتی از بزرگان علم رجال بوده، لذا اگر خود راوی، شیخ جماعتی از روات باشد که از بزرگان علم رجال بوده‌اند وثاقت او را ثابت می‌کند.

**دلیل ششم:** با اینکه سهل بن زیاد از معروفین و مؤلفین بود اما با این همه طعن و ذمی نسبت به او وارد نشده است و خود این دلیل بر وثاقت او می‌باشد.

**دلیل هفتم:** شیخ طوسی<sup>۱</sup> سهل را در زمره اصحاب سه امام؛ یعنی امام جواد (ع) و امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) ذکر کرده که با هر سه انس داشته و روایاتی را از هر سه امام (ع) نقل کرده و مکاتبه‌ای هم با امام عسکری (ع) داشته است.<sup>۲</sup> نفس اینکه سهل بن زیاد از اصحاب سه امام (ع) بوده هم موجب کثرت روایت است و هم یک منزلت و جایگاه خاصی را برای او ایجاد می‌کند.

**دلیل هشتم:** مرحوم شیخ طوسی نه تنها در تهذیب و استبصار از سهل بن زیاد روایت نقل کرده بلکه با اینکه در مورد دیگران مناقشه کرده ولی در مورد سهل مناقشه‌ای نکرده و بالاتر اینکه در موضعی به وثاقت او هم تصریح کرده، وقتی او را در زمره اصحاب امام هادی (ع) نقل می‌کند فرموده: «سهل بن زیاد آدمی یکنی ابا سعید ثقة».<sup>۳</sup>

## بررسی ادله وثاقت:

حال باید ببینیم آیا ادله فوق می‌تواند وثاقت سهل بن زیاد را اثبات کند یا نه؟

۱. رجال شیخ طوسی، ص ۴۰۱-۴۱۶-۴۲۱.

۲. رجال نجاشی، ج ۱، ص ۴۱۷.

۳. رجال شیخ طوسی، ص ۴۱۶.

### **بررسی دلیل اول:**

دلیل اول روایت اجلاء بود، ما سابقاً گفتیم روایت اجلاء از یک شخص به تنهایی نمی‌تواند دال بر وثاقت باشد مگر اینکه قرائن و شواهدی در کنار آن باشد که وثاقت را ثابت کند.

### **بررسی دلیل دوم:**

در مورد وقوع در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم هم عرض می‌کنیم اصل این مسئله قابل قبول است و وقوع در اسناد این تفسیر می‌تواند به عنوان توثیق قلمداد شود ولی همان طور که سابقاً هم گفتیم تفسیر علی بن ابراهیم قمی دو بخش دارد که وقوع در بخش اول این تفسیر توثیق محسوب می‌شود اما وقوع در بخش دوم این تفسیر مشمول توثیق نیست کما اینکه ما این مطلب را در بحث توثیقات عامه هنگامی که سخن از اسناد تفسیر علی بن ابراهیم قمی به میان آمد بیان کردیم. بنابراین این دلیل هم قابل قبول نیست.

### **بررسی دلیل سوم:**

اما دلیل سوم هم که کثرت روایات بود فی نفسه دلیل بر توثیق محسوب نمی‌شود، چون ممکن است کثرت روایت از شخصی یا به خاطر این باشد که روایات صحیح دیگری وجود دارد که آن را تأیید می‌کند، یا قرائنی دال بر صحت مشاهده کرده‌اند، یا اینکه آن را در کتب مشهوره دیده‌اند و به عنوان نقل از این کتب بیان کرده‌اند اما صرف نقل زیاد از یک شخص دال بر توثیق راوی نیست. این اشکالی است که از طرف بعضی بیان شده ولی واقع مطلب این است که شیخ صدوق و کلینی به سهل بن زیاد اعتماد داشته‌اند و به همین دلیل بوده که روایات کثیری را از او نقل کرده‌اند؛ چون با توجه به اهمیتی که صاحبان کتب اربعه نسبت به حفظ و ضبط روایات صحیح داشته‌اند امکان ندارد از کسی که ثقه نباشد روایات زیادی را نقل کنند. لذا به نظر می‌رسد کثرت روایات (در فروع و اصول) از سهل بن زیاد گرچه نمی‌تواند دلیل مستقلی بر وثاقت سهل باشد لکن حداقل یک قرینه و شواهدی است بر اینکه آن شخص، شخص قابل اعتماد و اطمینانی بوده است.

### **بررسی دلیل چهارم:**

همان گونه که در مورد دلیل سوم گفتیم اعتماد شیخ صدوق و کلینی بر سهل بن زیاد غیر قابل انکار است و ما نمی‌توانیم اعتماد این دو بزرگوار را مؤید و شاهد بر وثاقت ندانیم هر چند شاید اعتماد شیخ صدوق و کلینی به تنهایی نتواند وثاقت سهل بن زیاد را ثابت کند ولی حداقل این است که می‌تواند قرینه و شواهدی بر وثاقت او باشد.

### **بررسی دلیل پنجم:**

اما اینکه گفته‌اند سهل بن زیاد شیخ بعضی از اجلاء بوده شاید چندان قابل اعتماد نباشد، چون صرف اینکه عده‌ای از سهل بن زیاد روایت نقل کرده باشند نمی‌تواند دلیل بر وثاقت باشد.

### بررسی دلیل ششم:

همچنین اینکه گفته شد هیچ طعنی درباره سهل از ناحیه ائمه (ع) وارد نشده نمی‌تواند دلیل بر وثاقت شخص باشد؛ چون کمتر مشاهده می‌شود که ائمه (ع) نسبت به اشخاص طعن کرده باشند الا مواردی که کاملاً فسق و فساد شخص آشکار بوده است. بله ائمه (ع) بعضی از افراد مثل زرارة را رسماً تأیید کرده‌اند، اشخاص نادری را هم تکذیب کرده‌اند که تعداد آنها مشخص است ولی به طور کلی در غیر این موارد روش ائمه (ع) این نبوده که کسی را مورد طعن قرار دهند لذا صرف اینکه می‌بینیم ائمه (ع) سهل بن زیاد را مورد طعن قرار نداده‌اند و در کتب بزرگان هم طعن نشده دلیل بر وثاقت او محسوب نمی‌شود.

### بررسی دلیل هفتم:

همچنین صرف اینکه سهل از اصحاب سه امام (ع) بوده دلیل بر وثاقت او نمی‌باشد، همان طور که علی بن ابی حمزه بطائنی با اینکه بیش از یک امام (ع) را درک کرده بود اما در عین حال مبتلا به مشکلاتی بود که نمی‌توان به راحتی به روایات او اعتماد کرد تا جایی که اکثر روایاتی که از او نقل شده را مردود دانسته‌اند.

### بررسی دلیل هشتم:

اما اینکه شیخ طوسی در او مناقشه نکرده با اینکه در مورد غیر او مناقشه کرده یا در کتاب رجال از او به «ثقة» تعبیر کرده مشکلی نیست این است که معارض دارد چون در استبصار در باب ظهار در روایتی این تعبیر را در مورد سهل دارد که: «ضعیفه» بسهل بن زیاد آدمی و انه ضعیفٌ جداً عند نقاد الاخبار و قد استثناه ابو جعفر ابن الولید و تبعه ابو العباس و الصدوق<sup>۱</sup>، پس اینکه شیخ صدوق در او مناقشه نکرده یا از او به «ثقة» تعبیر کرده قابل قبول نیست چون معارض دارد.

**نتیجه:** در مجموع از بین ۸ دلیلی که بر وثاقت سهل بن زیاد آدمی اقامه شده فی الجمله بعضی از ادله شاید بتواند وثاقت سهل را ثابت کند. کما اینکه امام (ره) در مورد سهل بن زیاد می‌فرماید: «و الامر فیه سهل»؛ در مورد سهل، امر آسان است. لذا شاید هر یک از ادله فوق فی نفسه نتواند دال بر وثاقت سهل باشد اما از ضمیمه این ادله به یکدیگر می‌توان نتیجه گرفت که وثاقت سهل بن زیاد فی الجمله ثابت است.

**بحث جلسه آینده:** ان شاء الله ادله دال بر ضعف سهل بن زیاد را در جلسه آینده ذکر و مورد بررسی قرار خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمین»